

بررسی تطبیقی تعهدات ناشی از قراردادهای بیمه حمایت حقوقی

محسن قاسمی^۱

چکیده

این پژوهش به روش توصیف و تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای، در پی فراهم‌سازی بخشی از ادبیات حقوقی لازم برای تاسیس و گسترش بیمه‌های حمایت حقوقی (بیمه هزینه‌های دادرسی، وکالت و مشاوره حقوقی) است که بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی رژیم حقوقی این نوع بیمه‌ها در اتحادیه اروپا و کشورهای سوئیس، فرانسه و بلژیک و با توجه به ماهیت، هدف و کارکرد بیمه‌های حمایت حقوقی، تعهدات هر یک از بیمه‌گذار و بیمه‌گر در این نوع قراردادها را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر اساس نظریات و اصول و قواعد حقوقی، توجیه و تبیین می‌نماید. مطابق یافته‌های تحقیق، در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی، تعهدات هر یک از طرفین ترکیبی متوازن از تعهدات گوناگون اصلی و فرعی، مالی و غیر مالی و نقدی و غیر نقدی است که در دیگر انواع قراردادهای بیمه تجاری یافت نمی‌شود؛ از این رو با پیچیدگی رژیم حقوقی قراردادهای بیمه حمایت حقوقی مواجه هستیم؛ امری که تاسیس و ترویج آن را در نظام حقوق بیمه‌های تجاری ایران، منوط به مقررات‌گذاری دقیق و مناسب می‌نماید.

واژگان کلیدی: بیمه حمایت حقوقی، معاضدت حقوقی و قضایی، تعهدات

بیمه‌گذار، تعهدات بیمه‌گر، تعهدات مالی، تعهدات غیر مالی

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Mo.Ghasemi70@iau.ac.ir

درآمد

امروزه بیمه‌های حمایت حقوقی که به سبب کاهش موثر هزینه اقدامات حقوقی و قضایی، یکی از نهادهای مهم تامین حق دسترسی موثر، برابر و ارزان همگان به دادگستری، سازکارهای جایگزین حل و فصل اختلافات و خدمات وکلا و مشاوران حقوقی به عنوان لوازم تامین حق بشری برابری نزد قانون و دادرسی منصفانه^۱ به شمار می‌رود، در نظام بیمه‌های تجاری کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) به خوبی استقرار یافته و اتحادیه اروپا اصول و قواعد کلی رژیم حقوقی آن را برای کشورهای عضو مقرر کرده است. وانگهی پس از چند دهه اجرای این نوع بیمه در کشورهای اروپایی و آمریکا، قوانین و مقررات آن مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته و از منظر تحلیل اقتصادی نیز بررسی و نقد گردیده است^۲، اما در ایران جز یک مورد طرح شرکت بیمه مرکزی ایران با عنوان «بیمه حق‌الوکاله» یا «بیمه تامین هزینه حق‌الوکاله» که مجوز اجرای آن به برخی شرکت‌های بیمه داده شده است^۳ و بند ۲ ماده ۸ شرایط عمومی قرارداد بیمه مسئولیت مدنی متصدیان حمل داخلی (آیین‌نامه شماره ۸۷ شورای عالی بیمه) که به موجب آن در قالب تعهد فرعی و ثانوی، حداکثر تا بیست درصد هزینه متعارف دادرسی و دفاع از بیمه‌گذار در مراجع قضایی که در ارتباط با خطرات بیمه شده باشد برعهده بیمه‌گر خواهد بود، مشروط بر این‌که مجموع خسارت پرداختی و هزینه‌های موضوع این ماده از حداکثر تعهد بیمه‌گر بیشتر نشود^۴، اقدام تقنینی دیگری برای تاسیس و ترویج این نوع بیمه صورت نگرفته است و ماده ۱۳ آیین‌نامه اجباری شدن وکالت در دعاوی حقوقی مصوب ۱۳۸۴/۲/۵ رئیس قوه قضاییه که طرح بیمه حق‌الوکاله را پیش‌بینی کرده بود نیز، با توجه به رای وحدت

۱. مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
2. See: Gagnon & Brune, 2013: 235-246, Faure & de Mot, 2012: 743-777, Ancelot et.al., 2012: 115-148, Kilian, 2003: 31-48, Doriat-Duban, 2001: 97, Depoorter et.al, 2016: 1-31, Genoud & Paquier, 2016: 101-127, Heyes et.al, 2004: 107-119, Velthoven & Wijck, 2001: 1-12, Blanc, 2007: 1-47.

۳. رجوع کنید به: سایت اینترنتی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران (محصولات بیمه‌ای جدید دارای مجوز) و شرکت بیمه کوثر که بیمه هزینه‌های حقوقی را تحت عنوان بیمه‌نامه حامی ارائه می‌کند.

۴. در مورد شرط پرداخت هزینه دادرسی در بیمه‌های مسئولیت مدنی، بنگرید به: کاتوزیان و ایزانلو، ۳/۱۳۸۷: ۶۲-۶۶.

رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور، امکان اجرا پیدا نکرده است. از این رو در نوشتار پیش رو، آثار قراردادهای بیمه حمایت حقوقی در سه کشور سوئیس، فرانسه و بلژیک که از پیشروان این نوع بیمه در اروپا می‌باشند، با نگاهی به دستورالعمل اتحادیه اروپا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا بخشی از ادبیات حقوقی لازم برای مقررات گذاری درخصوص این نوع بیمه و ترویج و گسترش آن در صنعت بیمه‌های تجاری ایران فراهم گردد. در این راستا ابتدا مفهوم بیمه حمایت حقوقی بررسی می‌شود و سپس تعهدات گوناگون بیمه‌گذار و بیمه‌گر در این نوع قراردادها دسته‌بندی شده و مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم بیمه‌های حمایت حقوقی

به موجب بند ۱ ماده ۱۹۸ دستورالعمل شماره ۲۰۰۹/۱۳۸ مصوب ۲۵ نوامبر ۲۰۰۹ پارلمان و کمیسیون اتحادیه اروپا راجع به دسترسی به خدمات و فعالیت‌های بیمه‌ای و بیمه اتکایی^۱، بیمه حمایت حقوقی^۲ چنین تعریف شده است: «بیمه حمایت حقوقی عبارت است از بر عهده گرفتن هزینه‌های حل و فصل اختلافات و تامین دیگر انواع خدمات (حقوقی) مستقیماً مرتبط با موضوع عقد بیمه، توسط شرکت بیمه‌گر در مقابل پرداخت حق بیمه از سوی بیمه شده، به‌ویژه در موارد زیر:

الف- جبران زیان‌های شخص بیمه شده از طریق روش‌های دوستانه حل و فصل اختلافات و یا دادرسی‌های قضایی مدنی و کیفری؛

ب- دفاع یا نمایندگی از جانب بیمه شده در جریان دادرسی‌های مدنی، کیفری و اداری و دیگر آیین‌های حل و فصل اختلافات و هم‌چنین، در مقابل هرگونه مطالبه اشخاص ثالث علیه وی».

بر اساس ماده ال. ۱-۱۲۷ کد (مجموعه قوانین و مقررات) بیمه‌های فرانسه^۳

1. Directive 2009/138/CE du Parlement européen et du Conseil du 25 novembre 2009 sur l'accès aux activités de l'assurance et de la réassurance et leur exercice (solvabilité II) - Directive 2009/138/EC of the European Parliament and of the Council of 25 November 2009 on the taking-up and pursuit of the business of Insurance and Reinsurance (Solvency II).

۲. از این پس، به جای عبارت «بیمه حمایت حقوقی»، از نشانه اختصاری «ب.ح.ح» استفاده خواهد شد.

3. Article L127-1 du Code des assurances françaises (Dernière mise à jour : 29 avril 2022)

نیز، بیمه حمایت حقوقی عبارت از هرگونه عملیاتی است که شامل بر عهده گرفتن پرداخت هزینه‌های دادرسی یا فراهم کردن خدمات موضوع پوشش بیمه در صورت بروز اختلاف یا دعوا میان بیمه شده و اشخاص ثالث در مقابل دریافت حق بیمه (تدریجی) یا یک مبلغ یک‌جای از پیش توافق شده بوده و با هدف دفاع از بیمه شده در دعاوی و یا نمایندگی از جانب او (وکالت) در اقامه دعاوی مدنی، کیفری، اداری و مانند آن و یا دفاع از وی در مقابل ادعاهای مطالباتی دیگران (اجرائیه‌ها، اظهارنامه‌ها و ...) و یا جبران خسارت به صورت توافقی (دوستانه) منعقد می‌شود.

هم‌چنین مطابق ماده ۱۶۱ فرمان (آیین‌نامه) راجع به نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی کشور سوئیس^۱، قرارداد بیمه حمایت حقوقی عبارت از قراردادی است که به موجب آن، یک شرکت بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه معین، خطر هزینه‌های اقدامات حقوقی و قضایی و یا تامین خدمات حقوقی و قضایی معینی را در برابر بیمه شده بر عهده می‌گیرد. به تعبیر دیگر، قرارداد بیمه حمایت حقوقی، یک نوع بیمه خسارت و یا نوعی بیمه دارایی شخص بیمه شده است که مشتمل بر پشتیبانی در مقابل پیامدهای مالی منفی ناشی از مسائل و اختلافات حقوقی بوده و به موجب آن، بیمه‌گر بیمه شده را در مقابل زیان‌های (هزینه‌های) اقتصادی ناشی از نیاز به معاضدت حقوقی حمایت می‌کند (Bohne & Ecklin, 2016: 43-45).

به موجب ماده ۹۰ قانون راجع به بیمه زمینی بلژیک مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲^۲ نیز بیمه حمایت حقوقی قراردادی است که طی آن بیمه‌گر متعهد به تامین خدمات و پرداخت هزینه‌هایی می‌گردد که هدف آن کمک به بیمه شده برای استیفای حقوق خود در مقام خواهان یا خوانده، در رسیدگی‌های قضایی، اداری و یا دیگر آیین‌های رسیدگی به دعاوی و یا امور غیر ترافیعی است. موضوع این نوع بیمه اصولاً تامین خدمات حقوقی (از قبیل مشاوره، مذاکره و وکالت) و نیز پرداخت هزینه‌های لازم از سوی بیمه‌گر در یک مهلت معقول و متعارف برای احقاق حقوق بیمه شده است (بند ۱ بخشنامه شماره ۲۲-۲۰۱۰ کمیسیون امور بانکی، مالیاتی و بیمه بلژیک).

1. Ordonnance sur la surveillance des entreprises d'assurance privées. Suisse (Modification du 30 novembre 2012)

2. Article 90 de la loi du 25 juin 1992 sur le contrat d'assurance Terrestre (modifié par la loi du 16 mars 1994)

(Jeunehomme & Wildemeersch, 2012: 12-13).

در حقوق ایران نیز می‌توان بر اساس مفاد مواد ۱ و ۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، قرارداد بیمه حمایت حقوقی را بر پایه یکی از تعاریف فوق‌الذکر به عنوان یک نوع خاص از بیمه‌های خسارت (بیمه دارایی) که متفاوت از بیمه‌های مسؤلیت مدنی است پذیرفت و برخی از حقوق‌دانان با به‌کار بردن اصطلاح «بیمه هزینه‌های دادخواهی» و تقسیم آن به سه نوع بیمه تبعی (شرط ضمن عقد بیمه‌های مسؤلیت)، بیمه مستقل و بیمه پس از شروع دعوا، آن را مخالف قواعد آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه ندانسته و با توجه به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای، معتبر و مشروع به شمار آورده‌اند (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۸۰-۸۹ و ۹۶-۹۵) و کارکردهای آن در تامین حق دسترسی موثر، برابر و ارزان همگان به سازکارهای قضایی و غیر قضایی حل و فصل اختلافات و خدمات مشاوره و کالت دادگستری، مورد تبیین قرار گرفته است (منصوری بروجنی و سلطانی، ۱۳۹۷: ۱۵۰-۱۳۱، حبیبی درگاه، ۱۳۹۹: ۷۱-۷۴، صفری، ۱۴۰۱: ۱۸۳-۱۶۳).

۲. تعهدات بیمه‌گذار و بیمه‌گر

با انعقاد قرارداد بیمه حمایت حقوقی، هر یک از بیمه‌گذار (بیمه شده) و بیمه‌گر تعهداتی را در مقابل یکدیگر پیدا می‌کنند که برخی از آن‌ها اگر چه در دیگر انواع قرارداد بیمه نیز وجود دارد، اما دارای ویژگی‌های خاص خود بنا بر مقتضیات ذاتی بیمه حمایت حقوقی است و برخی دیگر، خاص «ب.ح.ج» بوده و از نوآوری‌های حقوق بیمه‌های تجاری به شمار می‌آید.

۲-۱. تعهدات بیمه‌گذار

۲-۱-۱. تعهد اصلی؛ پرداخت حق بیمه^۱

به‌طور کلی، حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار در عوض پوشش بیمه‌ای هزینه خدمات حقوقی می‌پردازد، باید معین و یا قابل تعیین^۲ بر اساس ضوابط و معیارهای نوعی باشد.

حق بیمه سالیانه این نوع بیمه غالباً بر اساس حق‌الوکاله (حق‌المشاوره) ساعتی

1. Prime

2. Déterminable

و کلاً تعیین می‌گردد و این ضابطه، اصولاً منصفانه به شمار می‌آید؛ زیرا به عنوان نمونه، چنانچه در یک پرونده مسؤولیت مدنی ناشی از زیان‌های بدنی، دریافت خسارت از یک سازمان بیمه اجتماعی، مستلزم حداقل پانزده ساعت کار یک وکیل باشد، هزینه پوشش بیمه‌ای آن برای بیمه‌گر، معادل ده سال حق بیمه و اگر نیازمند دادرسی و رسیدگی قضایی یا غیر قضایی باشد، حداقل معادل سی سال حق بیمه خواهد بود و بدین ترتیب، نهاد «ب.ح.ج» بخش زیادی از مردم را در دسترسی کم هزینه به سازکارهای بیش از پیش گران و پرهزینه قضایی و غیر قضایی حل و فصل اختلافات توانا می‌سازد (Guyaz, 2016: 140).

باید توجه داشت که در حقوق سوئیس، حق بیمه نمی‌تواند درصدی از اموالی (منقول یا غیر منقول و یا وجوه نقد) باشد که در نتیجه مداخلات بیمه‌گر و ارائه خدمات حقوقی به بیمه شده (اقدامات حقوقی و رسیدگی‌های قضایی و غیر قضایی، از جمله اقامه دعوا در دادگاه، رجوع به داور و یا مراجعه به بیمه‌های اجتماعی) نصیب بیمه شده می‌شود و الا بیمه‌گر به سبب سوء استفاده از حق، از مطالبه چنین حق بیمه‌ای محروم خواهد بود (ماده ۱۷۰ آیین‌نامه نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی سوئیس). ناگفته نماند که گرچه شخص وکیل مشمول چنین ممنوعیتی نیست، اما حق ندارد پیش از معلوم شدن نتیجه اقدامات حقوقی و قضایی، طی قراردادی با موکل خود، حق الوکاله خویش را درصدی از اموال حاصل از اقدامات مذکور تعیین کند و در عین حال، تعهد وی به اسقاط حق الوکاله خویش در صورت شکست در اقدامات حقوقی و قضایی نیز بی اثر دانسته شده است (بند ۵ ماده ۱۲ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس (Guyaz, 2016: 141-142)).

در حقوق ایران، حکم خاصی در مورد نوع مال موضوع حق بیمه و چگونگی پرداخت آن وضع نشده است و به نظر می‌رسد که تابع قواعد عمومی قراردادها در قانون مدنی و شروط ضمن عقد باشد (بابایی، ۱۴۰۰: ۱۰۹-۱۰۳). با این همه، شورای عالی بیمه می‌تواند بر اساس اصول محاسبات بیمه‌ای (اکچوئری)، در مورد حق بیمه در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی، ضوابط خاصی را مقرر کند (بند ۳ ماده ۱۷ و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰) و یا این‌که به استناد ماده ۳۵ قانون بیمه، ضوابط خاصی در قالب شرط ضمن عقد پیش‌بینی

شود.

۲-۱-۲. تعهدات فرعی (ثانوی)^۱

منظور از این نوع تعهدات، تکالیف قانونی است که در راستای اجتناب از برخی امور زیان‌بار و پیامدهای نامطلوب حقوقی وضع شده و ضمانت اجرای آن‌ها، صرفاً محرومیت از برخی امتیازات و حقوق قانونی یا قراردادی به‌ویژه سقوط یا کاهش تعهدات طرف مقابل است و اجرای اجباری (الزام و محکومیت قضایی) در مورد آن‌ها موضوعیت ندارد (Cornu, 2008: 478). تکلیف به آگاه کردن بیمه‌گر از حادثه رخ داده^۲، تکلیف به اطلاع‌رسانی در مورد تمام وقایع مفید برای تشخیص اوضاع و احوال و شرایط موجب حادثه و یا تشخیص آثار و پیامدهای آن، تکلیف به مقابله با خسارت^۳، تکلیف به همکاری در ارزیابی خسارت^۴ و تکلیف به خودداری از تغییر مال موضوع عقد بیمه^۵، تعهدات فرعی عام بیمه شدگان در انواع قراردادهای بیمه است که کم یا بیش با تفاوت‌هایی، تعهدات فرعی بیمه شدگان بیمه حمایت حقوقی را نیز تشکیل می‌دهد و البته «رد هزینه‌ها و خسارات دریافتی به بیمه‌گر»، تعهد فرعی خاص بیمه شدگان بیمه حمایت حقوقی می‌باشد. به‌طور کلی، نقض عامدانه و یا تقصیرآمیز این گونه تعهدات، موجب سقوط یا کاهش تعهد بیمه‌گر به حمایت حقوقی از بیمه شده می‌گردد (بند ۱ ماده ۴۵ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس) و بر اساس دکترین حقوقی غالب کشور سوئیس، تقصیر بیمه شده در نقض تعهدات مزبور، مفروض بوده و وی باید عدم آن را اثبات کند. البته در مورد این‌که تقصیر بیمه شده باید سنگین باشد و یا این‌که تقصیر سبک وی نیز کافی است، اختلاف نظر است اما دادگاه فدرال سوئیس در خصوص نقض تکلیف به مقابله با خسارت، سقوط تعهدات بیمه‌گر را مشروط به عمد (تدلیس و تقلب) بیمه شده و کاهش تعهدات وی را مشروط به تقصیر سنگین بیمه شده می‌داند. هم‌چنین بر اساس تفسیر رویه قضایی کشور سوئیس از ماده ۴۵ قانون راجع به عقد بیمه این کشور، اصولاً اثبات

1. Incombances (devoirs accessoires)/ Obligenheiten

2. Devoir d'annonce

3. Obligation de diminuer le dommage) obligation de sauvetage(

4. Devoir de collaborer à l'évaluation du dommage

5. Interdiction de changements

ورود زیان به بیمه‌گر در اثر نقض تکالیف مذکور شرط نیست و لذا شرط ضمن عقد مبنی بر این که «نقض تقصیرآمیز یکی از تکالیف فرعی بیمه شده، حتی اگر موجب زیان بیمه‌گر نشده باشد نیز از اسباب سقوط یا کاهش تعهد بیمه‌گر خواهد بود»، منعی ندارد. البته لازم است در هر پرونده، حسن نیت بیمه‌گر در استناد به نقض تعهدات فرعی بیمه شده، به دقت بررسی گردد تا از پیامدهای سنگین این قاعده نسبت به بیمه شده کاسته شود (Guyaz, 2016: 142-144).

۱-۲-۲. مقابله با خسارت (کاهش هزینه‌های حمایت حقوقی)^۱

بیمه شده مکلف به انجام کلیه اقدامات ممکن برای محدود کردن دامنه هزینه‌های حمایت حقوقی است و در صورتی که خطری تهدیدش نکند، می‌بایست از بیمه‌گر خود در مورد تدابیر و راهکارهای آن، راهنمایی خواسته و بر اساس آن عمل کند (بند ۱ ماده ۶۱ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس). غالباً طی یک شرط ضمن عقد، این تکلیف صورت جزئی‌تر و ملموس‌تری می‌یابد و اقداماتی که بیمه شده باید برای کاهش دامنه هزینه‌ها انجام دهد، به شکل دقیق‌تری معین می‌شود و از این طریق است که بیمه‌گر می‌تواند میزان هزینه‌ها و تعهدات ناشی از نیاز بیمه شده به حمایت حقوقی را پیش‌بینی و محاسبه کند. مثلاً غالباً شرط می‌شود که به جز در موارد فوریت‌دار و اضطراری، بیمه شده حق ندارد برای قضیه تحت پوشش بیمه، وکیل بگیرد یا خود متوسل به یک آیین حل و فصل اختلاف شود، با طرف دعوا بر سر موضوع اختلاف یا دعوی تحت پوشش بیمه، توافق (مصالحه) کند و یا این که از برخی از حقوق خود در توسل به اقدامات قضایی و حقوقی صرف نظر نماید (اسقاط حق دادخواهی به‌طور کلی یا جزئی)؛ زیرا این بیمه‌گر است که از صلاحیت انحصاری در بررسی و تحلیل وضعیت حقوقی پیش آمده و پیشنهاد اقدامات و تدابیر لازم به بیمه شده در راستای مدیریت بهینه پرونده حقوقی تحت پوشش بیمه برخوردار است. هم‌چنین برخی از بیمه‌گران به صراحت شرط می‌کنند که دفاع از منافع بیمه شده به‌طور مستقیم (بدون واسطه) منحصراً بر عهده آن‌ها است و یا این که اختلاف یا دعوا تا حد ممکن باید از طریق داوری، سازش یا میانجی‌گری^۲ (برخی

1. Réduction des coûts (frais et prestations) découlant du besoin de soutien (protection) juridique/ Mitigation

2. Une tentative de transaction ou de médiation

طرق جانشین و غیر قضایی) حل و فصل شود و بیمه شده می‌بایست از اقامه دعوی واهی که موجب مسئولیت مدنی است (بهرامی و السان، ۱۴۰۲: ۶۹-۶۶ و ۵۱-۵۳) خودداری نماید. البته در موارد استثنایی، بیمه شده حق دارد واگذاری پرونده به یک وکیل بیرونی یعنی وکیل مستقلی که طرف قرارداد بیمه‌گر نیست را درخواست کند (Guyaz, 2016: 144-145). با این همه در بیمه حمایت حقوقی، صلاحیت انحصاری بیمه‌گر در راهبری و مدیریت پرونده‌های حقوقی و قضایی موضوع عقد بیمه، مطلق نبوده و دارای قیود و حدود خاص خود است:

نخست این‌که، در صورتی‌که بیمه‌گر شخصاً پرونده را راهبری و مدیریت می‌کند، مکلف به حداکثر تلاش و کوشش ممکن برای تامین منافع بیمه شده، همانند یک وکیل در برابر موکل خود است و در نتیجه، بیمه شده از حقوق ذاتی یک موکل در دفاع از منافع خود برخوردار بوده و به‌طور کلی می‌تواند نقطه نظرات و راهنمایی‌های خویش را به بیمه‌گر خود ارائه دهد و بیمه‌گر باید به آن توجه کرده و از تصمیم‌گیری انفرادی و خودسرانه پرهیز کند؛ چرا که جلب موافقت بیمه شده در چگونگی حل و فصل نهایی پرونده لازم است؛ گرچه بیمه‌گر نیز از حق مخالفت موجه با خواسته‌های بیمه شده برخوردار است (Guyaz, 2016: 145).

دوم این‌که، در صورت اخذ وکیل مستقل (بیرونی)^۱ از سوی بیمه شده مطابق شرایط قرارداد بیمه حمایت حقوقی، تنها اوست که از صلاحیت راهبری وکیل برخوردار می‌باشد؛ در عین این‌که باید به تکلیف خود مبنی بر کاهش هزینه‌های ناشی از آن عمل کند و در تصمیم‌گیری در مورد چگونگی حل و فصل پرونده حقوقی خود و هزینه‌های آن، از آزادی کامل و مطلق برخوردار نیست (Guyaz, 2016: 145). سوم، در فرضی‌که بیمه‌گر صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های که باید عهده‌دار شود را به بیمه شده واگذار کرده است، خطر تضییع منافع بیمه‌گر در اثر تبانی احتمالی بیمه شده با اشخاص ثالث به میان می‌آید و بدین سبب، معمولاً در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی شرط می‌شود که هزینه‌کردهای قطعی باید با موافقت قبلی بیمه‌گر باشد و بیمه شده موظف به رعایت غبطه (مصالح و منافع) بیمه‌گر نیز هست.

1. Avocat indépendant (externe)

به هر حال، در صورت نقض عامدانه یا تقصیر آمیز تکلیف به کاهش دامنه هزینه‌های ناشی از حل و فصل موضوعات تحت پوشش عقد بیمه حمایت حقوقی، بیمه‌گر می‌تواند جبران خسارت (تامین هزینه‌ها) را به میزانی که در صورت عمل به تکلیف مزبور باید می‌پرداخت کاهش دهد؛ مشروط بر این که نقض این تکلیف سبب متعارف تحمیل هزینه‌های اضافی بر بیمه‌گر بوده باشد، اما این حکم قانونی، آمره نیست و توافق بر ضمانت اجرای شدیدتر در فرض تقصیر بیمه شده مجاز است (بند ۱ ماده ۴۵ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس (Guyaz, 2016: 146)).

در حقوق ایران نیز ماده ۱۵ قانون بیمه، تکلیف کلی و عام مقابله با خسارت را بر عهده بیمه‌گذار قرار داده است (بابایی، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۱۴) و شورای عالی بیمه می‌تواند این تکلیف را در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی به صورت خاص با جزئیات مقتضی مقرر کند و یا این که ضوابط خاصی به استناد ماده ۳۵ قانون بیمه، در قالب شرط ضمن عقد پیش‌بینی شود.

۲-۲-۱-۲. دادن اطلاعات

معمولاً مطابق شرایط عام عقد بیمه حمایت حقوقی، بیمه شده مکلف است اطلاعات مربوط به پرونده سپرده شده به وکیل مستقل را به بیمه‌گر منتقل کند و باید به وکیل خود اجازه دهد که بخش‌های مهم و اساسی پرونده را در اختیار بیمه‌گر قرار دهد و او را در جریان تحولات و سیر پیشرفت دعوا بگذارد.

این تعهد چهره خاصی از تعهد عام بیمه شده به دادن اطلاعات در مورد حادثه رخ داده (قضیه حقوقی مطرح شده) ای است که تحت پوشش بیمه است (بند ۱ ماده ۳۹ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس)، اما از دیدگاه رویه قضایی سوئیس، این حکم قانونی به تنهایی نمی‌تواند کم و کیف اطلاعاتی که بیمه‌گر می‌تواند به منظور بررسی و تشخیص دامنه و ابعاد قضیه حقوقی مورد نظر، از بیمه شده درخواست کند را به‌طور دقیق و کامل تعیین کند و طرفین می‌توانند حدود این تعهد را در قالب تعهدات قراردادی فرعی^۱ تعیین کنند (Bohne & Ecklin, 2016: 47-48, Guyaz, 2016: 146-147).

درست همانند درخواست مستقیم اطلاعات از بیمه شده، بیمه‌گر تنها در

1. Au moyen d'incombances contractuelles

صورتی حق دارد دسترسی به اسرار پرونده سپرده شده به وکیل مستقل را از وی درخواست کند که برای ارزیابی و تشخیص دامنه تعهدات بیمه‌گر در برابر بیمه شده، ضروری باشد و افزون بر این، اصول حسن نیت و تناسب^۱ نیز باید از سوی بیمه‌گر رعایت شود (بند ۲ ماده ۴ قانون فدرال حمایت از اطلاعات سوئیس^۲). با این همه، حق بیمه‌گر بر درخواست این اطلاعات، صلاحیت ویژه‌ای برای وی در تعیین اطلاعات لازم برای مدیریت پرونده حقوقی فراهم می‌کند. البته باید توجه داشت که بر اساس ماده ۱۶۸ آیین‌نامه نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی سوئیس، شرط ضمن عقدی که طی آن، بیمه شده متعهد به ارائه اسرار حرفه‌ای وکیل خود به بیمه‌گر در خصوص پرونده موضوع وکالت می‌شود، در صورت تعارض منافع^۳ و در فرضی که ارائه اطلاعات می‌تواند برای بیمه شده زیان‌بار باشد، قابل مطالبه نخواهد بود و وکیل شخص بیمه شده نمی‌تواند صرف انعقاد قرارداد بیمه حمایت حقوقی و درج شرط مزبور را، مجوز انتقال اطلاعات پرونده موضوع وکالت به بیمه‌گر تلقی کند. وانگهی بیمه شده باید در هر مورد، پس از مشورت کافی با وکیل خود، در خصوص ارائه اطلاعات درخواستی بیمه‌گر تصمیم‌گیری کند. هم‌چنین لازم است وجود تعارض منافع به‌طور موردی در هر قضیه بررسی شود و نمی‌توان در این مورد به یک قاعده کلی بسنده کرد. مثلاً در صورتی که بیمه‌گر طرف مقابل دعوای بیمه شده را در خصوص همان دعوا بیمه حمایت حقوقی کرده باشد، تعارض منافع مسلم بوده و مانع مطالبه اطلاعات خواهد بود و در چنین حالتی، بیمه‌گر صرفاً اطلاعاتی را می‌تواند درخواست کند که از نظر وکیل شخص بیمه شده، خطری برای وی ندارد و مطالبه اطلاعات فراتر از این حدود، حسب مورد می‌تواند نقض اصل تناسب و یا حتی نقض اصل حسن نیت به شمار آید؛ زیرا همان اطلاعات محدودی که وکیل بیمه شده مجاز می‌داند، در کنار اطلاعاتی که بیمه‌گر در خصوص طرف مقابل شخص بیمه شده دارد می‌تواند برای مدیریت پرونده (ارزیابی وضعیت قضیه حقوقی مطرح شده و تخمین میزان احتمال موفقیت اقدامات حقوقی و قضایی وکیل بیمه شده) از سوی شرکت بیمه‌گر کافی باشد (Guyaz, 2016: 147).

1. Les principes de la bonne foi et de la proportionnalité

2. Loi fédérale suisse sur la protection des données

3. Conflit d'intérêts

در صورت خودداری بیمه شده از تجویز ارائه اطلاعات قابل مطالبه پرونده مورد وکالت به بیمه‌گر توسط وکیل مستقل، اجرای تعهدات بیمه‌گر معلق خواهد شد (ماده ۴۱ قانون راجع به عقد بیمه سوئیس) و حتی ممکن است در ضمن عقد بیمه حمایت حقوقی، ضمانت اجرای شدیدتری نظیر سقوط قطعی تعهدات بیمه‌گر (فسخ یا انفساخ عقد) مورد توافق واقع شده باشد. با این همه بیمه‌گر مکلف است به صورت کتبی و ضمن تعیین یک مهلت معقول به بیمه شده، پیامدهای خودداری از دادن اطلاعات درخواستی را به او یادآوری کند. وانگهی بیمه شده در صورت داشتن عذر موجه می‌تواند اطلاعات درخواست شده را پس از مهلت تعیین شده نیز ارائه کند (Guyaz, 2016: 148).

لازم به ذکر است که به موجب ماده ۱۲۷-۷ کد بیمه‌های فرانسه، تمامی اشخاصی که در چارچوب قرارداد بیمه حمایت حقوقی، حق آگاهی از اطلاعات ارائه شده از سوی بیمه شده را در جهت تامین منافع وی دارند، مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای او می‌باشند و نقض آن، موجب مسؤولیت کیفری بر اساس ماده ۲۲۶-۱۳ قانون مجازات فرانسه خواهد بود.

در حقوق ایران به موجب مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۵ قانون بیمه، صرفاً دادن اطلاعات لازم به هنگام انعقاد قرارداد و نیز اعلام به موقع وقوع حادثه موضوع بیمه، بر عهده بیمه‌گذار است و دادن اطلاعات دیگر برای اجرای قرارداد در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی را می‌توان در قالب شروط ضمن عقد (ماده ۳۵ قانون بیمه) و یا مصوبات شورای عالی بیمه مقرر کرد و چنانچه به موجب مصوبه خاصی (نظیر ماده ۶ شرایط عمومی بیمه‌نامه مسؤولیت مدنی پزشکان مصوب ۱۳۷۷ شورای عالی بیمه)، بیمه‌گر حق اقامه دعوا و یا دفاع از بیمه شده را در مراجع ذیصلاح داشته باشد، تکلیف بیمه‌گذار به دادن اطلاعات و ارائه اسناد و مدارک راجع به حادثه و دعوا را از لوازم منطقی ایفای حق بیمه‌گر دانست (بابایی، ۱۴۰۰: ۱۹۱-۱۹۲). ضمانت اجرای این تعهد می‌تواند حسب مورد، فسخ عقد، بطلان و یا ابطال آن باشد؛ گرچه پیشرفت‌های اخیر صنعت بیمه، مقتضی محدود شدن موارد فسخ، بطلان و ابطال عقد بیمه در اثر نقض تعهد به دادن اطلاعات دانسته شده است (محمدی و جواهر کلام، ۱۴۰۱: ۲۸۶-۲۹۴).

۳-۲-۱. رد مبالغ دریافتی به بیمه‌گر^۱

در غالب قراردادهای بیمه حمایت حقوقی شرط می‌شود که چنانچه در فرایند اقدامات حقوقی یا قضایی، مبالغی بابت خسارات، مخارج و هزینه‌های تحت پوشش عقد بیمه نظیر هزینه دادرسی و حق الوکاله به بیمه شده پرداخت شود، وی مکلف است آن را به بیمه‌گر بپردازد و اگر دریافت نکرده است، حق مطالبه آن را به وی منتقل نماید (اصل قائم‌مقامی)، اما اگر مبلغ دریافت شده، بابت خسارات، مخارج و هزینه‌های تحت پوشش عقد بیمه نبوده باشد، مثلاً در فرضی که مطابق قرارداد و به سبب تقصیر بیمه شده، خود وی باید هزینه دادرسی یا حق الوکاله را می‌پرداخته است، در صورت پیروزی وی در دعوا و اجرای حکم محکومیت خوانده به پرداخت خسارات دادرسی، آنچه بیمه شده از این بابت دریافت می‌کند، مشمول این تکلیف نخواهد بود (Guyaz, 2016: 149).

در حقوق ایران نیز با توجه به اصل قائم‌مقامی بیمه‌گر (ماده ۳۰ قانون بیمه)، چنین تکلیفی قابل استنباط به نظر می‌رسد و حداقل این‌که در قالب شرط ضمن عقد (ماده ۳۵ قانون بیمه) و یا مصوبات شورای عالی بیمه، قابل پیش‌بینی خواهد بود.

۲-۲. تعهدات بیمه‌گر

تعهدات بیمه‌گر مشتمل بر دو نوع متفاوت است:

نخست، تعهد مالی معمول و مشابه دیگر انواع عقد بیمه؛ یعنی پرداخت هزینه اقدامات حقوقی انجام شده برای دفاع از منافع بیمه شده که عموماً محدود به یک سقف تعیین شده در بیمه‌نامه است؛

دوم، تعهد ویژه‌ای که خاص قرارداد بیمه حمایت حقوقی است؛ یعنی تعهد به ارائه خدمات (معاضدت) حقوقی و قضایی مستقیم به بیمه شده که مشتمل بر مشاوره حقوقی و نمایندگی از جانب بیمه شده در امور حقوقی غیر قضایی و یا انواع اقدامات قضایی ضروری در مساله و دعوی حقوقی پیش آمده است. تعهدات بیمه‌گر در قرارداد بیمه حمایت حقوقی نیز از انواع تعهدات مالی به شمار می‌رود؛ زیرا از یک سو، وی خدمات حقوقی مورد تعهد خود را تامین مالی می‌کند و از سوی دیگر، هرگونه خدمات حقوقی که به بیمه شده ارائه می‌کند، وی را از تحمل هزینه‌های آن،

1. Abandon des dépens

صرف وقت و زیان‌های اقتصادی مصون می‌دارد و به همین دلیل است که تعهد به ارائه خدمات حقوقی نیز از تعهدات بیمه‌ای به شمار می‌آید و امروزه عموم بیمه‌گران آن را نیز بر عهده می‌گیرند و بر این اساس است که تعهدات بیمه‌گر حمایت حقوقی نیز مانند دیگر انواع بیمه‌های خسارت، جنبه جبران‌کننده و غرامت^۱ دارد؛ بنابراین تکالیف اصلی بیمه‌گر حمایت حقوقی دوگانه است؛ زیرا از یک سو تامین هزینه‌های ناشی از اقدامات حقوقی و قضایی و از سوی دیگر، تامین نفس خدمات (اقدامات) حقوقی و قضایی را شامل می‌باشد^۲ و حتی موضوع برخی از قراردادهای بیمه حمایت حقوقی، تنها تامین خدمات حقوقی توسط خود بیمه‌گر بوده و وی مکلف است رأساً اقدامات حقوقی و قضایی لازم برای احقاق حق بیمه شده را انجام دهد. وانگهی، واقعیت بازار بیمه حمایت حقوقی نشان‌دهنده این است که اغلب بیمه‌گران تامین نفس خدمات حقوقی را به عنوان تعهد اصلی (مستقیم) خود بر عهده می‌گیرند و پرداخت هزینه اقدامات حقوقی و قضایی که خود بیمه شده انجام داده است به عنوان تعهد ثانوی و یا جایگزین (غیر مستقیم) بیمه‌گر مورد توافق واقع می‌شود (Jeune & Wildemeersch, 2012: 64-73, Guyaz, 2016: 150-151, Bohne & Ecklin, 2016: 44-45, 52-55).

بدین ترتیب، تعهدات بیمه‌گر بیمه حمایت حقوقی حسب توافق طرفین، عبارت است از تامین (راهبری و مدیریت) اقدامات حقوقی و قضایی، موافقت با اخذ وکیل مستقل در صورت لزوم، پرداخت هزینه اقدامات حقوقی پیشاقضایی و هزینه اقدامات حقوقی و قضایی.

۱-۲-۲. راهبری و مدیریت مذاکرات و اقدامات حقوقی و قضایی

در صورتی که بیمه‌گر شخصاً دفاع از منافع بیمه شده را عهده‌دار شده باشد، باید رأساً اقدامات حقوقی و قضایی لازم نظیر اخذ وکیل، ارجاع پرونده به کارشناسی، رجوع به مراجع اداری ذی‌ربط، ارجاع دعوا به داوری یا دیگر طرق غیر قضایی حل و فصل اختلافات نظیر صلح و سازش و میانجی‌گری و اقامه دعوی قضایی را انجام دهد و در این راستا باید جدیت و سخت‌کوشی کافی داشته باشد. عموماً پذیرفته

1. Indemnitaire

2. Les deux types de prestation (prestation de frais et de service en nature)

شده است که دامنه تکلیف به سخت‌کوشی و جدیت^۱ در جریان مدیریت اقدامات حقوقی و قضایی، باید مطابق قواعد وکالت مدنی^۲ تعیین گردد و در نتیجه، مشاوران حقوقی یا وکلای دادگستری که خود بیمه‌گر برای دفاع از منافع بیمه شده استخدام کرده است، باید صلاحیت و توانایی‌های یک وکیل مستقل (بیرونی)^۳ که خود بیمه شده ممکن است به کارگیرد را داشته باشند و تکالیف آن‌ها اصولاً همان تکالیف وکیل مستقل است؛ به طوری که اگر بیمه‌گر نتواند چنین درجه‌ای از وکالت را تامین کند، باید با اخذ وکیل مستقل (بیرونی) توسط بیمه شده موافقت کند (Bohne & Ecklin, 2016: 55-58).

به صورت ملموس‌تر، بیمه‌گر اصولاً همانند یک وکیل مستقل مکلف به سخت‌کوشی، اطلاع‌رسانی و رعایت محرمانگی^۴ اسرار حرفه‌ای وکالت است و در این راستا باید از دانش و تجربه کافی برای مدیریت اقدامات حقوقی و قضایی برخوردار باشد و در صورت لزوم، از مشاوره یک متخصص استفاده کند و چنانچه ضروری باشد، یک وکیل مستقل متخصص برای مدیریت پرونده به هزینه خود استخدام کند و از سپردن آن به حقوق‌دان یا وکیل غیر متخصص خودداری نماید. هم‌چنین در مقام عمل به تکلیف اطلاع‌رسانی، بیمه‌گر باید رأساً بیمه شده را در مورد هر آنچه در پرونده وی اثرگذار است آگاه کند که شامل تحلیل وضعیت حقوقی پرونده و ارزیابی و تخمین خطرات احتمالی و میزان احتمال پیروزی در اقدامات حقوقی یا قضایی مورد نظر می‌باشد. با این همه، بیمه‌گر حمایت حقوقی مکلف به وفاداری^۵ نیست و می‌تواند طرف دعوی سابق بیمه شده فعلی خود را نیز تحت پوشش بیمه حمایت حقوقی قرار دهد. وانگهی اجرای قواعد حقوقی وکالت مدنی در خصوص بیمه‌گر حمایت حقوقی، مطلق نیست و از جمله این‌که، برخلاف عقد وکالت، وی اصولاً حق فسخ قرارداد یا خودداری از انجام اقدامات حقوقی و قضایی

-
1. Devoir de diligence
 2. les règles du mandat
 3. Avocat independent (externe)
 4. Information
 5. Confidentialité
 6. Fidélité

موضوع آن را ندارد؛ زیرا عقد بیمه حمایت حقوقی یک عقد لازم است (Bohne & Ecklin, 2016: 59-63, Guyaz, 20016: 151-153).

۲-۲-۲. موافقت با گرفتن وکیل مستقل (بیرونی)^۱ از سوی بیمه شده

امروزه در کشور سوئیس، بیمه‌گران حمایت حقوقی متعهد می‌شوند که راساً خدمات حقوقی موضوع قرارداد بیمه حمایت حقوقی را از طریق حقوق‌دانان و وکلایی که در استخدام خود دارند انجام دهند و اصولاً بیمه شده حق ندارد پرونده موضوع قرارداد بیمه حمایت حقوقی را به وکیل مستقل واگذار کند؛ مگر این‌که خود هزینه آن را پردازد یا حداقل این‌که، پیش از اخذ وکیل مستقل، موافقت بیمه‌گر را در مورد آن و نیز شخص وکیل مورد نظر جلب کند؛ زیرا بیمه‌گر باید بتواند از هزینه‌های اضافی ناشی از گرفتن وکیل ناوارد و یا حق‌الوکاله گزاف اجتناب کند و وکیل مستقل نیز به موجب تکلیف به سخت‌کوشی و جدیت، موظف است موکل خود را در مورد تکالیف ناشی از قرارداد بیمه حمایت حقوقی به‌ویژه، لزوم جلب موافقت بیمه‌گر در خصوص گرفتن وکیل مستقل آگاه سازد؛ همان‌طور که بیمه‌گر نیز مکلف به آگاه کردن بیمه شده از حق خود مبنی بر گرفتن وکیل مستقل است (بند ۳ ماده ۱۶۷ آیین‌نامه نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی سوئیس). باید توجه داشت که گرچه در حقوق سوئیس، اصولاً پیش‌بینی حق‌گزینش آزاد وکیل برای بیمه شده قانوناً لازم نیست، اما در فرض سکوت قرارداد و عدم موفقیت اقدامات بیمه‌گر، گرفتن وکیل مستقل، حق بیمه شده به شمار می‌آید. هم‌چنین به موجب بند ۱ ماده ۱۶۷ آیین‌نامه نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی سوئیس، در صورتی که اخذ وکیل دادگستری در یک دعوا قانوناً اجباری باشد؛ همانند دعاوی که از حیث موضوعی و یا حکمی بسیار پیچیده و یا مورد یک مسأله حقوقی اساسی و بنیادین است، دعوای با ارزش اقتصادی بالا، نابرابری آشکار طرفین دعوا و یا برخورداری طرف مقابل از وکیل؛ و نیز در صورت وجود تعارض منافع، بیمه‌گر مکلف به موافقت با گرفتن وکیل مستقل از سوی بیمه شده است (Bohne & Ecklin, 2016: 63-64, Guyaz, 2016: 153-154).

بر اساس ماده ۹۲ قانون راجع به بیمه زمینی بلژیک مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲ نیز در قرارداد بیمه حمایت حقوقی باید حداقل تصریح شود که به هنگام لزوم توسل

1. Mise en œuvre d'un avocat externe

به آیین‌های رسیدگی قضایی یا اداری و یا تعارض منافع با بیمه‌گر، بیمه شده از آزادی انتخاب یک وکیل یا هر شخص ذی‌صلاح دیگر به منظور دفاع، نمایندگی و یا استیفای منافع خود برخوردار است (Jeunehomme & Wildemeersch, 2012: 113-120, Delvau, 2021: 75-80)، اما در خصوص درجه تعارض منافع اتفاق نظر وجود ندارد. عموماً پذیرفته شده است که در صورت برخورداری طرفین یک دعوا از پوشش بیمه حمایت حقوقی بیمه‌گر واحد در همان دعوا و یا وجود دعوا میان بیمه شده و شرکت بیمه‌گر حمایت حقوقی، تعارض منافع چنان شدید است که بیمه‌گر را مکلف به موافقت با درخواست بیمه شده مبنی بر گرفتن وکیل مستقل می‌کند (جزء ب بند ۱ ماده ۱۶۷ آیین‌نامه نظارت بر شرکت‌های بیمه خصوصی سوئیس). وانگهی در فرضی که بیمه‌گر خود نمایندگی (وکالت) بیمه شده را در یک قضیه حقوقی یا قضایی بر عهده دارد، خطر تعارض منافع به‌وضوح جدی است؛ زیرا منافع بیمه‌گر مقتضی کاهش هرچه بیشتر هزینه اقدامات حقوقی و قضایی و پرهیز از اطاله دادرسی است؛ در حالی که بیمه شده خواستار نیل به بهترین نتیجه ممکن، به‌رغم افزایش هزینه‌ها است. با این همه، تفسیر موسع تعارض منافع می‌تواند خطر سلب عملی امکان ارائه خدمات حقوقی توسط خود شرکت‌های بیمه‌گر را به دنبال داشته باشد و بر همین اساس است که صرف بی‌اعتمادی^۱ بیمه شده نسبت به بیمه‌گر، موجب تعارض منافع دانسته نمی‌شود؛ مگر این‌که ناشی از نقض تقصیر آمیز تعهدات اساسی بیمه‌گر به‌ویژه تکلیف به جدیت و سخت‌کوشی در دفاع از منافع بیمه شده باشد (Guyaz, 2016: 155-156)؛ به هر حال در صورت بروز تعارض منافع در حدود مذکور، بیمه شده حق اخذ وکیل مستقل را خواهد داشت؛ گرچه اختلاف و مناقشه بیمه شده و شخص ثالث هنوز منجر به اقامه دعوا نشده و فرایند قضایی آغاز نگردیده باشد (Jeunehomme & Wildemeersch, 2012: 80-84, Guyaz, 2016: 157).

در حقوق فرانسه نیز بر اساس ماده ۱۲۷-۲-۳ کد بیمه این کشور، در صورتی که طرف دعوای بیمه شده در شرایط مشابه، از خدمات حقوقی یک وکیل دادگستری یا معاضدت حقوقی شخص ذی‌صلاح برخوردار شده باشد، وی نیز حق گرفتن وکیل یا مشاور حقوقی مستقل را خواهد داشت. هم‌چنین به موجب بند یک ماده ۲۰۱

1. Défiance

دستور العمل شماره ۲۰۰۹/۱۳۸ مصوب ۲۵ نوامبر ۲۰۰۹ پارلمان و کمیسیون اتحادیه اروپا راجع به دسترسی به خدمات و فعالیت‌های بیمه‌ای و بیمه اتکایی و ماده ۱۲۷-۳ کد بیمه فرانسه، باید در قرارداد بیمه حمایت حقوقی به صراحت شرط شود که در صورت تعارض منافع بیمه شده با بیمه‌گر، بیمه شده از حق گرفتن آزادانه وکیل و یا انتخاب هر شخص ذی‌صلاح دیگر برای معاضدت حقوقی بهره‌مند خواهد بود (Cerveau, 2000: 1686-1687). حال باید دید که شرایط و قیود اجرای حق بیمه شده در گرفتن وکیل مستقل چیست.

اصل بر آزادی بیمه شده در انتخاب وکیل مستقل و یا هر شخص ذی‌صلاح دیگر برای معاضدت حقوقی در هر نوع آیین و فرایند قضایی و اداری است (بند ۱ ماده ۲۰۱ دستور العمل شماره ۲۰۰۹/۱۳۸ مصوب ۲۵ نوامبر ۲۰۰۹ پارلمان و کمیسیون اتحادیه اروپا راجع به دسترسی به خدمات و فعالیت‌های بیمه‌ای و بیمه اتکایی) و حتی به موجب ماده ۱۲۷-۳ کد بیمه فرانسه، این حق بیمه شده باید به صراحت در قرارداد پیش‌بینی گردد و هر گونه شرطی که در حدود مقرر برای حمایت (در چارچوب تعهدات بیمه‌گر)، آزادی بیمه شده در گزینش وکیل یا مشاور حقوقی را محدود کند، باطل است؛ زیرا اصل آزادی بیمه شده در انتخاب وکیل و مشاور حقوقی، مربوط به نظم عمومی است.

باید توجه داشت که این آزادی مطلق نیست و صرفاً در چهارچوب قرارداد قابل اعمال است، به طوری که اولاً، نمی‌تواند مانع تعیین حداکثر حق الوکاله و دیگر هزینه‌هایی باشد که بیمه‌گر بر عهده می‌گیرد (Siret-Robert, 1991: 480). ثانیاً، به طور معمول در قالب شروط عمومی ضمن قرارداد بیمه حمایت حقوقی، شرط می‌شود که چنانچه وکیل مورد نظر بیمه شده، مورد پذیرش بیمه‌گر نباشد وی حق دارد تا سه وکیل دیگر به بیمه‌گر معرفی کند و بیمه‌گر ملزم است از میان آن‌ها یکی را بپذیرد. گاهی این حق بیمه‌گر نیز با افزودن شرایطی هم‌چون لزوم تخصص وکلای معرفی شده در شاخه‌های گوناگون محدود می‌شود که البته مفید است؛ زیرا کارایی مکانیسم مزبور را حفظ می‌کند و بر همین اساس است که مطابق رویه قضایی کشور سوئیس، وکیلی که قبلاً از سوی بیمه‌گر رد شده است، نمی‌تواند جزء سه نفر وکیل معرفی شده جدید باشد، اما شرط ضمن عقدی که بیمه شده را ملزم به

معرفی وکلای مقیم (ساکن) در محل دادگاه صالح می‌کند، باطل به شمار می‌آید؛ زیرا می‌تواند ذی‌نفعان ساکن در مناطق پیرامونی را از خدمات متخصصین محروم کند؛ مگر این‌که از لحاظ قانونی، صلاحیت وکالت محدودیت محلی نداشته باشد و گردش آزاد وکلا پذیرفته شده باشد (Bohne & Ecklin, 2016: 63-71). هم‌چنین بیمه‌گر می‌تواند یک یا چند وکیل مستقل را به بیمه شده پیشنهاد کند؛ گرچه چنین چیزی در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد؛ زیرا صرفاً جنبه توصیه دارد و برای بیمه شده الزامی به همراه نخواهد داشت. به موجب ماده ۱۲۷-۳ کد بیمه فرانسه، بیمه‌گر تنها در صورت درخواست کتبی بیمه شده، مجاز به پیشنهاد وکیل مستقل به وی می‌باشد. در این راستا، بیمه‌گر می‌تواند فهرستی از وکلای خبره مورد اعتماد خود را که دارای روابط خوبی با وی بوده و از صلاحیت و دانش و تجربه کافی برای مدیریت پرونده بیمه شده برخوردارند به بیمه شده معرفی کند، اما شرط ضمن‌عقدی که بیمه شده را ملزم به گزینش وکیل مستقل از میان این فهرست کند و یا رد آن از سوی بیمه شده را موجب کاهش پوشش بیمه‌ای دانسته باشد، باطل به شمار می‌آید (بند ۱ ماده ۱۶۷ Bohne & Ecklin, 2016: 72-74).

وانگهی به‌رغم حق بیمه شده بر اداره پرونده حقوقی خود و به موجب شروط عمومی ضمن قرارداد بیمه حمایت حقوقی، در صورت فقدان نیروی انسانی متخصص در شرکت بیمه و یا صلاح‌دید بیمه‌گر در جهت کارایی بیشتر، وی حق دارد دفاع از بیمه شده را به یک وکیل مستقل واگذار کند. البته صرف نظر از شرایط و اوضاع و احوالی که موجب پیشنهاد وکیل مستقل به بیمه شده از سوی بیمه‌گر می‌شود، وی باید همواره منافع (غبطه) بیمه شده را حداقل در حد منافع خود رعایت کند؛ زیرا این پیشنهاد توصیه و مشاوره‌ای است که می‌تواند در سرنوشت پرونده حقوقی بیمه شده موثر باشد و همان‌طور که آمد، تعهد بیمه‌گر به مشاوره دادن و راهنمایی بیمه شده، باید با سخت‌کوشی و دقت کافی ایفاء گردد؛ لذا بیمه‌گر باید وکیلی را پیشنهاد کند که دارای توانایی و تجربه کافی برای مدیریت حقوقی پرونده بیمه شده باشد و چنان‌چه در حوزه مورد نظر، وکالت تخصصی بوده و وکیل متخصص وجود داشته باشد، باید یک یا چند وکیل متخصص و یا وکیلی که تجربه معادل یک وکیل

متخصص را داشته باشد پیشنهاد شود. البته ممکن است در صورت ارائه دلایل و اطلاعات کافی، معرفی یک وکیل عمومی و غیر متخصص در برخی از پرونده‌های حقوقی قابل پذیرش و موجه باشد، اما به‌طور کلی، بیمه‌گری که بیمه شده را از وجود وکلاء متخصص و خبره در حوزه مربوط به پرونده حقوقی مورد نظر آگاه نکند، مرتکب نقض تکلیف به راهنمایی (آگاهی دهی)^۱ شده است که در برخی از کشورها نظیر سوئیس (به موجب ملاک بند ۲ ماده ۳۹۸ قانون تعهدات) در مورد بیمه‌گران نیز حاکم می‌باشد. البته باید توجه داشت که شرط استخدام مستقیم وکیل مستقل از سوی بیمه‌گر، خالی از اشکال نیست؛ زیرا در صورت وجود تعارض منافع، می‌تواند بی‌طرفی وکیل را خدشه‌دار کند، اما شرط مزبور باطل دانسته نشده و عموماً پذیرفته شده است که در چنین فرضی، شرکت بیمه‌گر نماینده مستقیم بیمه شده در برابر وکیل مستقل خواهد بود (Guyaz, 2016: 157-160).

ناگفته نماند مسائل و مناقشاتی که در خصوص اجرای اصل آزادی انتخاب وکیل در حقوق سوئیس و فرانسه به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت، کم یا بیش در حقوق بلژیک نیز مصداق داشته و مطرح شده است (Delvaux, 1998: 12-26, Paris, 2000: 5-29).

۲-۲-۳. پرداخت هزینه‌ها و مخارج امور پیشاقضایی^۲

اگر به موجب قرارداد بیمه حمایت حقوقی، بیمه‌گر هزینه‌ها و مخارج اقدامات پیشاقضایی برای احقاق حق بیمه شده نظیر پیگیری پرونده در مراجع اداری را نیز بر عهده گرفته باشد، مکلف است آن را بپردازد و حتی ممکن است پرداخت خسارت ناشی از مسؤلیت مدنی اشخاص ثالث در برابر بیمه شده را نیز عهده‌دار شده باشد که در این صورت، پس از پرداخت آن به بیمه شده، به عنوان قائم‌مقام (جانشین) وی حق رجوع به شخص عامل زیان را خواهد داشت (Guyaz, 2016: 160-162).

۲-۲-۴. پرداخت هزینه‌های وکالت مستقل (تضمین پوشش بیمه‌ای)^۳

در هر مورد که بیمه‌گر با گرفتن وکیل مستقل از سوی بیمه شده موافقت می‌کند؛ اعم از موارد اختیاری و اجباری، اصولاً متعهد به پرداخت هزینه‌های آن نیز

1. Devoir de renseigner
2. Prise en charge des frais d'avocat avant procès
3. Garantie de couverture

می‌گردد و حق بیمه شده در مطالبه این گونه هزینه‌ها به‌طور مستقیم ناشی از خود قرارداد بیمه حمایت حقوقی است؛ مشروط بر این‌که تمامی شرایط مقرر در قرارداد رعایت شده باشد؛ به‌ویژه این‌که اقدامات وکیل مستقل، در مجموع موجه بوده و از پیش محکوم به شکست نبوده باشد (Guyaz, 2016: 164).

۱-۴-۲. ماهیت حقوقی تضمین پوشش بیمه‌ای

در مورد ماهیت حقوقی این نوع تضمین، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آن را از مصادیق تعهد به پرداخت دین دیگری^۱ می‌دانند (ماده ۱۷۵ قانون تعهدات سوئیس)، اما برخی دیگر آن را در قالب تعهد به نفع ثالث^۲ توجیه می‌کنند (بند ۲ ماده ۱۱۲ قانون تعهدات سوئیس). دلیل عمده نظریه نخست، اصل ممنوعیت هرگونه قرارداد میان بیمه‌گر و وکیل مستقل به منظور پرهیز از خدشه‌دار شدن استقلال وکیل و خطر تعارض منافع وی با بیمه شده است؛ گرچه نهاد تعهد به پرداخت دین دیگری (بیمه شده) در مقام پرداخت حق الوکاله وکیل مستقل نیز فی‌نفسه می‌تواند خطر تعارض منافع بیمه‌گر و بیمه شده را در پی داشته باشد (Bohne & Ecklin, 2016: 86-87). وانگهی نهاد تعهد به نفع ثالث نیز خطر تعارض منافع وکیل مستقل و شخص بیمه شده را به دنبال دارد؛ زیرا به موجب آن، وکیل می‌تواند برای مطالبه حق الوکاله به‌طور مستقیم به بیمه‌گر مراجعه کند؛ لذا در هر حال، همواره این خطر وجود دارد که وکیل مستقل منافع خود را بر منافع بیمه شده ترجیح دهد و گریزی از آن نیست، اما چنانچه شرط شود که وکیل حق مراجعه مستقیم به بیمه‌گر را نداشته و برای مطالبه حق الوکاله خود، تنها باید از طریق بیمه شده اقدام کند، خطر مزبور به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت. هم‌چنین باید توجه داشت که اگر با جلب رضایت وکیل (طلب‌کار)، تعهد به پرداخت دین دیگری موجب نقل ذمه به ذمه^۳ شده باشد، وکیل مستقل تنها می‌تواند به بیمه‌گر مراجعه کند و گرنه اصولاً موجب ضم ذمه به ذمه^۴ است و در نتیجه، وکیل مستقل از حق رجوع مستقیم به هر دوی بیمه‌گر و بیمه شده برای مطالبه حق الوکاله خود برخوردار خواهد بود و در صورت رجوع وکیل به بیمه شده

1. Reprise de dette d' autrui

2. Stipulation pour autrui

3. Reprise privative de dette

4. Reprise cumulative de dette

(موکل)، وی نیز حق خواهد داشت به بیمه‌گر که بدهکار اصلی است مراجعه کند (Bohne & Ecklin, 2016: 87-89, Guyaz, 2016: 165-166).

۲-۴-۴. حدود تضمین پوشش بیمه‌ای

تضمین پوشش بیمه‌ای می‌تواند به موجب شرط ضمن عقد، دارای محدودیت‌ها و استثنائاتی باشد:

نخست، ممکن است پوشش بیمه‌ای این‌گونه هزینه‌ها مرحله‌ای باشد، به طوری که در ابتدا محدود به یک مرحله معین از دعوا مثلاً مذاکرات پیشاقتضایی به منظور صلح و سازش و ... شود و پس از احراز موجه بودن اقدام برای هر یک از مراحل بعد مثلاً اقامه دعوی قضایی، هزینه‌های آن مراحل نیز پوشش داده شود و یا این‌که به‌طور کلی، تنها هزینه‌های طرق غیر قضایی حل و فصل اختلافات، پوشش بیمه‌ای داشته باشد (Guyaz, 2016: 162).

دوم، ممکن است پوشش هزینه‌های اقدامات قضایی و غیر قضایی برای حل و فصل دعوا، مشروط به معقول و متعارف بودن آن شود و اقدامات فاقد احتمال معقول موفقیت، تحت پوشش نباشد (Guyaz, 2016: 162). با این همه، شرط محدودیت تعهد بیمه‌گر به یک مبلغ معین ناکافی برای پوشش هزینه‌های متعارف، نوعی رفتار با سوء نیت به شمار می‌آید؛ زیرا دست وکیل را در انجام اقدامات لازم برای پیگیری پرونده بیمه شده می‌بندد و می‌تواند مانع نیل به نتیجه مطلوب شود و حتی از نظر برخی، به‌طور کلی تحدید تعهد بیمه‌گر به یک مبلغ معین، صرف نظر از میزان آن، ممنوع است زیرا اگر کم باشد، تامین منافع بیمه شده را به خطر می‌اندازد و هزینه جمعی (گلوبال) پرونده را افزایش می‌دهد؛ زیرا وکیل ناچار است در هر مورد اقدام مورد نظر را توجیه کند و دلایل و مستندات کافی برای آن فراهم سازد و اگر این مبلغ خیلی بالا باشد، بیمه‌گر امکان مدیریت هزینه‌ها را نخواهد داشت و حتی ممکن است خطر تشویق بیمه شده و وکیل او به انجام اقدامات بیهوده را در پی داشته باشد (Guyaz, 2016: 163).

سوم، ممکن است قانون‌گذار حداقلی را برای پوشش بیمه تعیین کرده باشد؛ همانند بند ۱ ماده ۸ قانون ۲۲ آوریل ۲۰۱۹ بلژیک راجع به تسهیل بیمه‌های حمایت

حقوقی^۱ که حداقل پوشش هزینه‌های حقوقی را شامل مخارج و حق‌الزحمه وکیل و ضابطان دادگستری، هزینه رسیدگی‌های قضایی و غیر قضایی، مخارج و حق‌الزحمه کارشناسان، مشاوران فنی، میانجی‌گران، داوران و دیگر اشخاص ذی‌سمت به موجب قانون حاکم بر آیین رسیدگی و هزینه‌های اجرا دانسته است (Guyaz, 2016: 164). لازم به ذکر است که در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱۲۷-۲-۲ کد بیمه‌های فرانسه^۲، مشاورها و اقدامات حقوقی و قضایی انجام شده پیش از اعلام وقوع مساله حقوقی (اختلاف یا دعوا) به بیمه‌گر، نمی‌تواند موجب قطع پوشش بیمه‌ای باشد و هر گونه شرط خلاف آن باطل است، اما پرداخت هزینه این گونه اقدامات بر عهده بیمه‌گر نخواهد بود؛ مگر این‌که بیمه شده بتواند فوریت و ضرورت آن‌ها را اثبات کند. هم‌چنین مطابق ماده ۱۲۷-۵-۱ همین کد^۳ حق‌الزحمه وکیل مستقل بر اساس توافق میان وی و بیمه شده تعیین می‌شود و بیمه‌گر حق دخالت ندارد؛ ضمن این‌که، در قرارداد بیمه حمایت حقوقی باید تصریح شود که کلیه مبالغ لازم برای تامین حق‌الوکاله و هزینه‌های ناشی از حل و فصل اختلافات و دعاوی، در ابتدا باید به منظور تامین مخارجی که بر عهده شخص بیمه شده بوده است، به وی پرداخت شود و بیمه‌گر در مرتبه بعدی، حق دریافت آن را به عنوان قائم‌مقام بیمه شده تا سقف تعهدات ایفاء شده خود خواهد داشت.

در حقوق ایران نیز شورای عالی بیمه می‌تواند بر پایه تفسیر موسع از ماده ۱۹ قانون بیمه و لحاظ اصول محاسبات بیمه‌ای (اکچوئری)، تکالیف خاص بیمه‌گر در بیمه‌های حمایت حقوقی را مقرر کند و یا این‌که به استناد ماده ۳۵ قانون مذکور، چنین تکالیفی در قالب شرط ضمن عقد پیش‌بینی شود تا انعطاف‌پذیری قرارداد که از اصول امروزیین قراردادها است (طالب احمدی، ۱۴۰۳: ۲۲۲-۲۲۶) در قراردادهای بیمه حمایت حقوقی نیز تامین شود.

1. Loi du 22 Avril 2019 visant à rendre plus accessible l'assurance protection juridique
 2. Article L127-2-2 : Les consultations ou les actes de procédure réalisés avant la déclaration du sinistre ne peuvent justifier la déchéance de la garantie. Toute clause contraire est réputée non écrite. Cependant, ces consultations et ces actes ne sont pas pris en charge par l'assureur, sauf si l'assuré peut justifier d'une urgence à les avoir demandés.

3. Article L127-5-1: Les honoraires de l'avocat sont déterminés entre ce dernier et son client, sans pouvoir faire l'objet d'un accord avec l'assureur de protection juridique.

برآمد

۱- تعهدات ناشی از قراردادهای بیمه حمایت حقوقی در اتحادیه اروپا و سه کشور پیشروی سوئیس، فرانسه و بلژیک دارای ترکیبی پیچیده و متوازن از انواع تعهدات اصلی و فرعی، مالی و غیر مالی و پولی و غیر پولی است که می‌تواند بر اساس نظریات و اصول و قواعد حقوقی پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران نیز مورد تبیین و توجیه قرار گیرد به طوری که در حقوق ایران نیز شورای عالی بیمه می‌تواند با توجه به بند ۳ ماده ۱۷ و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ و بر اساس برداشت موسع از واژه «حادثه» در ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ که هر گونه مسائل و دعاوی حقوقی خطرآفرین ناشی از رفتار انسانی را نیز شامل می‌شود و با اقتباس از رژیم حقوقی قراردادهای بیمه حمایت حقوقی در نظام‌های حقوقی خارجی و منطقه‌ای مورد بررسی در این نوشتار و لحاظ اقتضائات و شرایط بومی کشور، اقدام به وضع مقررات خاص این نوع بیمه و تعیین شرایط عمومی و تعهدات گوناگون ناشی از آن در چارچوب تفسیر مناسب از مواد ۲ تا ۶ و ۱۲ تا ۱۹ و مواد ۸ و ۳۵ قانون بیمه ایران کند.

۲- تاسیس و گسترش بیمه‌های حمایت حقوقی، گام موثری در راستای اجرای هر چه بهتر بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم و نیز اصول بیست، سی و چهار و سی و پنجم قانون اساسی (حقوق آحاد ملت بر رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، تامین حقوق همه جانبه افراد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه، تساوی عموم در برابر قانون، برخورداری یکسان همه افراد ملت از حمایت قانون، دادخواهی و دسترسی برابر به دادگاه و برخورداری از وکیل) خواهد بود؛ زیرا در دنیای معاصر، قراردادهای بیمه حمایت حقوقی به یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی موثر در تامین هر چه بهتر حق شهروندان بر دسترسی موثر، برابر و ارزان به سازکارهای حقوقی و قضایی حل و فصل مسائل و اختلافات حقوقی تبدیل شده است.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * بابایی، ایرج (۱۴۰۰)، حقوق بیمه، چاپ هفدهم، تهران: سمت.
- * بهرامی، احسان و السان، مصطفی (۱۴۰۲)، «جایگاه تقصیر و سوء نیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- * حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۹)، «مفهوم اصل دسترسی ارزان به دادگستری و جلوه‌های آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹.
- * طالب احمدی، حبیب (۱۴۰۳)، «انعطاف پذیری در قراردادها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۵.
- * کاتوزیان، ناصر و ایزانلو، محسن (۱۳۷۸)، مسئولیت مدنی، جلد سوم: بیمه مسئولیت مدنی، چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران
- * صفری، ناهید (۱۴۰۱)، «ارزیابی بیمه هزینه‌های دادرسی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۸.
- * طهماسبی، علی (۱۳۹۸)، «نقش بیمه در ارتقای دسترسی شهروندان به نظام عدالت مدنی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، شماره ۱.
- * محمدی، مجتبی و جواهرکلام، محمدهادی (۱۴۰۱)، «تعدیل ضمانت اجرای تعهد به ارائه اطلاعات در قراردادهای بیمه، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷.
- * منصوری بروجنی، محمد و سلطانی، ناصر (۱۳۹۷)، «بیمه هزینه‌های حقوقی: الگویی برای توانمندسازی شهروندان»، دانشنامه حقوق اقتصادی دانشگاه فردوسی، سال بیست و پنجم، شماره ۱۴.

ب. انگلیسی

- * Depoorter, N, De Mot, J, Faure, M. (2016), **The Multiplication Effect of Legal Insurance**, New York University Journal of Law and Business, No.13
- * Heyes, A, Rickman, N, Tzavara, D (2004), **Legal expenses insur-**

ance, risk aversion and litigation, International Review of Law and Economics, No. 24

* Kilian, M (2003), **“Alternatives to Public Provision: The Role of Legal Expenses Insurance in Broadening Access to Justice: The German Experience”**, Journal of Law and Society, Vol.30, No.1

* Velthoven, B. V, Wijck P.V (2001), **Legal cost insurance and social welfare**, Economics Letters, Elsevier, Vol.72(3)

پ. فرانسه

* Ancelot, L, Doriat-Duban, M, Lovat, B (2012), **“Aide juridictionnelle et assurance de protection juridique :coexistence ou substitution dans l'accès au droit ”**, Revue française d'économie, Vol. 27, No.4

* BLANC, E (2007), **Rapport n. 3661, Assemblée nationale, portant réforme de l'assurance de protection juridique**

* Bohnet, F, Ecklin, M. (2016), **”Avocat et assurance de la protection juridique”**, in deuxième journée des droits de la consommation et de la distribution, édité par Carron et Müller, Helbing Lichtenhahn, Bâle, CEMAJ, Faculté de droit de l'Université de Neuchâtel

* Cerveau, B (2000), **“Protection juridique :libre choix de l'avocat”**, Gazette du Palais, No. 27-28

* Cornu, G. (2008), **Vocabulaire juridique**, Paris, puf

* CBFA, **Circulaire 2010-22 du 19 octobre 2010 sur l'assurance protection juridique en Belgique**

* Delvaux, P-H (2021), **”À propos de la liberté de choix de l'avocat en matière d'assurance de protection juridique”**, in L'assurance protection juridique, Louvain, Belgique, Larcier.

* Delvaux, P.-H (1988), **La Grande illusion de l'assurance de la**

protection juridique, Revue Générale des Assurances et des Responsabilités, No. 12964

* Doriat-Duban, M (2001), “**Analyse économique de l'accès à la justice : les effets de l'aide juridictionnelle**” , Revue internationale de droit économique, Vol. 15, No. 1.

* Gagnon, P & Brune, G (2013), **Assurance juridique : Regards croisés sur son évolution au Québec et en France**, Assurances et gestion des risques, Vol.81(3-4)

* Genoud , PH & Paquier, M.(2016), **Protection juridique : un besoin socio-économique?**, in deuxième journée des droits de la consommation et de la distribution, edité par Carron et Müller, Helbing Lichtenhahn, Bâle, CEMAJ, Faculté de droit de l'Université de Neuchâtel.

* Guyaz, A (2016), ” **L'assurance de protection juridique dans les dossiers de responsabilité civile**“, in Les relations entre la responsabilité civile et les assurances privées, Bern, Stämpfli Editions.

* Jeunehomme, J-F , Wildemeersch, J (2012), **L'assurance protection juridique**, Anthemis, Belgique

* Paris, C (2000), **Avocat et assureur protection juridique: la fin des tensions?** Revue Générale des Assurances et des Responsabilités, , No. 13295

* Siret-Robert, .D (1991), ” **Les effets du contrat d'assurance de protection juridique**”, Revue juridique de l'Ouest, No.4